

آسیب‌شناسی عزاداری (1)

سخن دربارهٔ مجالس عزاداری سالار شهیدان علیه السلام است. مجالسی که به اعتراف دوست و دشمن، علاوه بر حفظ مکتب اهل بیت علیهم السلام، عامل فوق العاده نیرومندی برای بیداری مردم و ضامن تداوم و بقای اسلام می‌باشد. به همین دلیل، برپایی این گونه برنامه‌ها در روایات به «احیای امر اهل بیت علیهم السلام» تعبیر شده است. امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش می‌فرماید: این گونه مجالس [شما] را دوست دارم، [از این طریق] مکتب ما را زنده بدارید! ای فضیل! خدا رحمت کند کسی که امر ما را زنده نگه دارد. ای فضیل! هر که ما را یاد کند یا نزد او ذکری از ما بشود و به اندازهٔ پر مگسی اشک از چشمش خارج شود، خدا گناهانش را می‌آمرزد؛ گر چه از کف دریا بیش‌تر باشد». (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می‌فرماید: خداوند متعال به دنیا توجه فرمود و ما را برگزید، و برای ما شیعیانی را انتخاب کرد که ما را یاری کنند، در خوشحالی ما خوشحال باشند و در حزن ما محزون گردند، مال و جان خود را در راه ما فدا کنند، آنها از ما هستند و به سوی ما می‌آیند». (۲)

علاوه بر سفارش به تعظیم شعائر الهی، توصیهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن به دوستی با خویشاوندان خود، ریشه‌ای دیگر برای عزاداری است. قرآن مجید از زبان پیامبرش خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ (۳) «بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیتم]».

بدین ترتیب، اجر رسالت، دوستی با خویشان رسول خدا صلی الله علیه و آله است و یکی از مصادیق و اقتضای این دوستی، گریستن در مصیبت آنان و شادمانی در سرور آنان است.

عزاداری و سوگواری از سنتهای حسنه فرهنگ تشیع است. شیعه در دامن عزاداریها و سوگواریها توانسته است معارف خود را عرضه کرده و رهبران خود را به جهان بشناساند. در طول تاریخ اسلام نیز همواره این سوگواریها زیربنای حرکتهای آزادیخواهانه و انقلابهای شیعی بوده است. در این مراسمات، مخصوصاً عزاداری امام حسین علیه السلام اوج ارادت و عشق شیعیان به اسلام و مکتب حسینی برای همگان آشکار است. نکته مهم این است که این حالتها و عشق و محبتها آگاهانه و در مسیر صحیح هدایت شود، و اثر سازنده و مثبتی به همراه داشته باشد؛ و الا اگر عشق و محبت به ائمه اطهار علیهم السلام همراه با شناخت و در مسیر صحیح انجام نپذیرد، به جای اثر سازندگی، موجب عقب گرد انسان از اصول و مبانی دین می شود، که نه تنها ارزشی ندارد؛ بلکه به طور قطع آسیبی برای دین محسوب می شود. به همین علت دشمنان که نتوانسته اند در اصل این عزاداریها خللی ایجاد نمایند، در صددند با رنگ مذهب و دین، عزاداری را از مسیر صحیح خارج نمایند؛ چرا که آنان می دانند عزاداری صرف هیچ خاصیت و ارزشی نخواهد داشت.

مجالس عزاداری در طول تاریخ منشأ روشنگری و رهیابی به حقیقت بوده است. در این میان، گاه خواسته یا ناخواسته این مجالس با آسیبهایی همراه شده است که نه تنها عزاداری حسینی را از هدف اصلی خارج نموده؛ بلکه گاه اصل عزاداری را زیر سؤال برده است. بر این اساس آسیب شناسی مجالس عزاداری و آسیب زدائی از آنها خدمت بزرگی به اسلام و باعث تداوم آن می باشد؛ از اینرو آگاه نمودن عزاداران با آسیبها و راههای مبارزه با آنها، وظیفه ای است که بر عهده روحانیان و مبلغان دینی نیز می باشد.

الف. آسیبهای محتوایی

باید اذعان نمود که در دهه های اخیر، برخی عزاداریها از محتوای غنی عاشورایی تهی شده است؛ چرا که فلسفه عزاداری و سوگواری امام حسین علیه السلام که آموختن و مرور درسها و پیامهای قیام عاشورا است، مورد توجه

قرار نمی‌گیرد و گاه بیان آموزه‌های عاشورا توسط روحانیان تنها به مقدمه‌ای برای جمع شدن مردم در هیئتها مبدل شده است؛ در حالی که هدف اصلی این عزاداریها شناخت چرایی قیام امام حسین علیه‌السلام و آشنایی با وظایف خویش در این زمان است

معمار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه‌الله می‌فرمود: «انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سید الشهدا علیه‌السلام؛ نه سید الشهدا علیه‌السلام احتیاج به این گریه‌ها دارد، نه این گریه خودش [فی نفسه] کاری از آن می‌آید.» (۴)

آن بزرگوار در جایی دیگر فرمود: «این کلمه «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» یک کلمه بزرگی است که اشتباهی می‌فهمند. آنها خیال می‌کنند که یعنی هر روز باید گریه کرد؛ لکن این محتوایش غیر از این است. کربلا چه کرد؟ ارض کربلا در روز عاشورا چه نقشی را بازی کرد؟ همه زمینها باید آن طور باشند. نقش کربلا این بود که سید الشهدا علیه‌السلام با چند نفر جمعیت و عدد معدود، آمدند کربلا و ایستادند در مقابل ظلم یزید و در مقابل دولت جبار. در مقابل امپراتور زمان ایستادند و فداکاری کردند و کشته شدند؛ لکن ظلم را قبول نکردند، و شکست دادند یزید را. همه جا باید این طور باشد. همه روز هم باید این طور باشد. همه روز باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم، و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین نداشته، انحصار به یک فرد نداشته. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک زمین کربلا نبوده. همه زمینها باید این نقشه را اجرا کنند، و همه روزها غفلت نکنند.» (۵)

1- تحریفات

تحریفات در قیام عاشورا از آسیبهای جدی است که مجالس عزاداری را تحت الشعاع خود قرار داده است و گاه محتوای اصلی آن را زیر سؤال می برد. گاه این تحریفات در قالب سخنرانی و کتاب بروز می کند و گاه در قالب شعر. این تحریفات تا جایی پیش رفته است که گاه حماسه عظیم عاشورا تا حد «کشته شدن برای شفاعت از گناهکاران امت» معرفی گردیده است. امام صادق علیه السلام ملاک حق و باطل و شناخت تحریف دین از غیر آن را به عهده علمای دین نهاده و ما را به متابعت از آنان سفارش نموده است: دانشمندان وارثان پیامبرانند، و این بدان جهت است که پیامبران درهم و دیناری از خود بر جای نمی گذارند؛ بلکه سخنان و احادیثی از خود بر جای می نهند، پس هر کس چیزی از آنها را بگیرد، به بهره فراوان دست یافته است. بنگرید که علم خود را از چه کس می گیرید؟ زیرا که در میان ما اهل بیت علیه السلام در هر نسلی مردمان عادل هستند که دین را از تحریف غلوکنندگان، و ساخته های باطل پسندان، و تأویل نادانان می پیرایند.» (۶)

طبق این حدیث شریف، کسانی که بدون توجه به آموزه های دینی و نیز توصیه های عالمان دین، عزاداریها را با تحریفات و خرافات می آمیزند و گاه برنامه هایی اجرا می کنند که نه تنها خلاف شرع است؛ بلکه موجب وهن دین و مذهب می شوند، نادانان و گاه دشمنان تشیع می باشند و همراهی با آنان نیز در حکم کمک به آنان در وهن دین محسوب می شود.

همچنین کتابهای متعددی در زمینه تحریف قیام عاشورا نوشته شده است، و علاوه بر آن تحریف در فلسفه عزاداری نیز قابل تأمل است. برخی عزاداری امام حسین علیه السلام را به دلیل تسلی خاطر حضرت زهرا علیه السلام معرفی و آن را نوعی خدمت و تسلی خصوصی و عاطفی معرفی می نمایند و برخی دیگر آن

بزرگوار را فرد بی تقصیر، بی یار، مظلوم و بی پناه نمایانده و به قول شهید مطهری «نقله شده» (۷) معرفی می کنند که باید بر چنین امام از دست رفته ای گریست و عزاداری کرد.

2- اکتفا به مداحی و سینه زنی

دشمنان تشیع، در حال حاضر حرکتی خزنده را آغاز نموده اند که مرحله اول آن حذف روحانیت از مجالس مذهبی است. متأسفانه در حال حاضر برخی از مجالس مذهبی بدون حضور واعظ توانمند و روحانی آگاه اداره شده، به حضور مداح اکتفا می شود، تا این گونه القاء نمایند که بدون حضور روحانی نیز می توان مجلس عزاداری برپا نمود. به دیگر سخن، درست است که این شورها، عشقها و سینه زنیها در نهایت موجب تقویت دین است؛ لیکن اگر این شورها با شعور گره نخورد، و معارف و اهداف عزاداری فراموش گردد، ماندگار نخواهد بود. در حالی که اصل و اساس دین و به ویژه مکتب سرخ تشیع، معرفت و محبت مبتنی بر آن است؛ چنان که امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ»؛ (۸) اول و آغاز دین معرفت او (خداوند) است. به یقین بدون شناخت و معرفت خداوند و ائمه معصومین علیه السلام هیچ عملی ارزش پیدا نمی کند.

ب. آسیبهای دینی

دقت در اهداف قیام عاشورا نشان می دهد که خون امام حسین علیه السلام و یارانش و اسارت خانواده اش تنها برای حفظ دین و ارزشهای متعالی آن بود. امام حسین علیه السلام در وصیتی به محمد حنفیه به این مهم اشاره می نماید: من برای سرکشی و عداوت و فساد کردن و ظلم نمودن از مدینه خارج نشدم؛ بلکه به منظور اصلاح در میان امت جدم خارج شدم، من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. من می خواهم مطابق سیره جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم. (۹)

با توجه به این نکته، باید اذعان نمود که عزاداریهایی که نه تنها در راستای قیام امام حسین علیه السلام نیستند، بلکه در مقابل اهداف آن بزرگوار و مخالف احکام شرع مقدس هستند، حرام بوده و فاقد ارزش می باشند. به تعبیر دیگر، همان گونه که مسجد ضرار که با اهداف غیر دینی بنا شده بود، خراب شد و همان طور که قرآنها بر سر نیزه توسط معاویه قابل اعتنا برای حضرت علی علیه السلام نبود، پرجمعیت ترین و پرهزینه ترین مجالس به نام امام حسین علیه السلام که خلاف احکام و دستورات الهی باشد، نیز قابل اعتنا نخواهد بود. به عنوان نمونه، به برخی آسیبهای دینی در ایام سوگواری ابا عبد الله الحسین علیه السلام که در برخی از مجالس و محافل عزاداری مشاهده می شود، اشاره می گردد:

1- ریا

یکی از عواملی که اعمال انسان را به خطر می افکند یا نابود می سازد، ریا و تظاهر است. قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»؛

(۱۰) «ای کسانی که ایمان آورده اید! انفاقها و بخششهای خود را با منت و آزار باطل نسازید، همانند کسی که

مال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد».

روایات در مذمت ریا بسیار زیاد است، تا آنجا که آن را نوعی شرک نامیده اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: شخص ریاکار در روز قیامت با چهار نام صدا زده می شود: ای کافر! ای فاجر! ای حيله گر! ای زیانکار! عملت نابود شد، و اجرت باطل گشت، امروز هیچ راه نجاتی نداری، پاداش خود را از کسی بخواه که برای او عمل کرده ای! (۱۱)

باید دقت نمود این شرک خفی در مجالس عزاداری رسوخ ننماید، که اگر چنین شود تمام زحمات بانیان و دست اندرکارانی که با چنین نیتی زحمت می کشند، به هدر می رود.

بسیاری از هیئات و مساجد، سخنرانان و مداحان معروف و شناخته شده را برای استفاده بیش تر از معارف اهل بیت علیه السلام و بهره جستن از فرصت در ایام عزاداری برای تشکیل جلسات ذکر و یاد خدا دعوت می نمایند؛ این برنامه همان فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله است که: آن گاه که گذر به بوستانهای بهشت کردید، بهره مند شوید. گفتند: ای رسول خدا! بوستانهای بهشت کجاست؟ حضرت فرمود: حلقه های یاد خدا. همانا خداوند فرشتگان بسیاری دارد که به دنبال حلقه های ذکر خدا می گردند، وقتی حلقه ذکر یافتند، آنها را احاطه می کنند.» (۱۲)

اما در مقابل، برخی دست اندرکاران هیئات، دعوت از سخنران و مداح معروف را انگیزه ای برای مهم جلوه دادن هیئتی خاص و به رخ کشیدن مراسم به دیگران می دانند. به همین خاطر گاه شاهد بوده ایم که به خاطر فرصت محدود یک سخنران یا مداح معروف، برنامه عزاداری برخی مساجد یا هیئات در ساعات پایانی شب آغاز و تا ساعاتی از نیمه شب نیز طول می کشد و برخی عزاداران از فریضه نماز صبح باز می مانند.

2- غلو

مسئله «غلو» درباره پیشوایان، یکی از مهم ترین سرچشمه های انحراف در ادیان آسمانی بوده است. سرچشمه این انحراف از آنجا است که انسان علاقه دارد رهبران و پیشوایان خویش را بیش از آنچه هستند بزرگ نشان دهد تا بر عظمت خود بیافزاید. گاهی نیز این تصور که غلو درباره پیشوایان، نشانه ایمان، عشق و علاقه به آنها است، سبب گام نهادن در این ورطه هولناک می شود. غلو همواره یک عیب بزرگ را همراه دارد و آن اینکه ریشه اصلی مذهب؛ یعنی خداپرستی و توحید را خراب می کند، به همین جهت اسلام درباره غلات سختگیری شدیدی کرده و در کتب عقائد و فقه، غلات از کفار بدتر معرفی شده اند. (۱۳) قرآن کریم می فرماید: «یهودیه می گفتند: عزیر پسر خداست؛ (۱۴) و مسیحیه می گفتند: عیسی پسر خداست.» (۱۵) خداوند درباره این افراد

می‌فرماید: «ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ»؛ (۱۶) «این سخنی است که با زبان خود می‌گویند، که همانند گفتار کافران پیشین است؛ خدا آنان را بکشد، چگونه [از حق انحراف می‌یابند] و افتراء می‌زنند!»

این آیه به همه انسانها هشدار می‌دهد که نه موسی پسر خداست، نه عیسی و نه نام فرد دیگری می‌تواند با نام «الله» همراه شود؛ بلکه همه بنده خدا هستند.

امیر المؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «يَهْلِكُ فِي رَجُلَانِ مُحِبُّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالَ؛ (۱۷) دو گروه درباره من هلاک می‌شوند: دوستان غلو کننده و دشمنانی که به ما دشنام می‌دهند.»

از اینکه این دو گروه همسنگ هم قرار داده شده‌اند، معنایش این است که هر دو گروه در یک مسیر در حرکتند. متأسفانه طرح مسائل غلوآمیز در عزاداریها مثل: «لا اله الا فاطمة الزهراء» یا «لا اله الا زينب» یا حسین الهی شدن و... که برای مقدس جلوه دادن خود انجام می‌شود، از جمله مسائلی است که محتوای عزاداری را با آسیب

جدی مواجه می‌سازد. اهمیت دوری از افراد و مجالسی که به نام ائمه اطهار علیه‌السلام سخنان کفرآمیز بر زبان جاری می‌سازند تا آنجاست که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: بر جوانان خود از شر غلات برحذر باشید! مبدا آنها را فاسد کنند، همانا غلات بدترین بندگان خدا هستند که عظمت خداوند را تحقیر کرده و ادعای خدایی

برای بندگان خدا دارند. به خدا قسم غلات بدتر از یهود و نصاری و مجوس و مشرکان هستند.» (۱۸)

بنابراین، بر اساس آموزه‌های قرآن و رهنمودهای اولیای الهی، هر اسمی که در کنار نام خداوند متعال قرار گیرد، شرک است و باید از گوینده و مجلسی که از آموزه‌های اسلامی دور است، اجتناب کرد.

پی نوشتات:

- (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۱.
- (۲). الخصال، ج ۲، ص ۶۳۵.
- (۳). شوری / ۲۳.
- (۴). صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۳.
- (۵). صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۲۲.
- (۶). الکافی، ج ۱، ص ۳۲.
- (۷). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۱۱۱.
- (۸). نهج البلاغه، خطبه اول.
- (۹). مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج ۴، ص ۸۹.
- (۱۰). بقره / ۲۶۴.
- (۱۱). امالی، ص ۵۸۱.
- (۱۲). منیة المرید، ص ۱۰۶.
- (۱۳). تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۲۱.
- (۱۴). توبه / ۳۰.

(١٥). همان.

(١٦). همان.

(١٧). نهج البلاغه، حكمت ١١٧.

(١٨). امالى شيخ طوسى، ص ٦٥٠.